

متن پرسش

سلام علیکم: ۱. چرا انسان هم مثل حیوانات که دارای درجه وجودی کمتری از انسان هستند اما در عین داشتن مقامات عالی الهی و مقام خلیفه الله بودن دارای بدنهای مادی متفاوتی نیستند، مثلاً ما در سنگها سنگ آهک، عقیق، مرمر و غیره داریم در نباتات همینجور در حیوانات گریه داریم، زرافه، آبیان، برندگان، حشرات و... چرا انسان در عین خوب بودن در بیشگاه الهی دارای شکلهای بسیار متفاوت و عجیب نیست؟ ۲. آیا آدمهایی مثل رسول ترکها و علی گندابی ها و طیب ها وجود خارجی داشته اند یا داستانند؟ اگر راستند بعد از رجوع مردانه شان به حق با ادبارشان و با قبضشان و با ناامیدی شان چگونه برخورد می کردند و چگونه تا آخر بر صراط ماندند؟ مگر در حدیث نداریم هیچ کس نیست مگر اینکه در هر ۴۰ روز حدیث نفس دارد؟ با آن گذشته عجیبشان چگونه از ناامیدی عبور می کردند؟ ریشه عبادت نکردن مستمر را در چه می بینید و چرا ما زیاد نا امید می شویم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- هر روحی برای استكمال خود بدن می‌خواهد، آن هم بدنی مناسب آن روح و اهدافی که آن روح باید از طریق آن بدن به آن‌ها برسد. آیت‌الله شجاعی در کتاب «معاد یا بازگشت به خدا» نکاتی در این رابطه دارند ۲- هرکس وارد زندگی دینی شد اقبال و ادبارش در فضای دین است، یک روز حجاب‌های او رقیق است و راحت‌تر به حق نظر دارد و یک روز حضرت حق با اسم جلال بر او تجلی می‌کند و او عملاً در ادبار قرار می‌گیرد تا با همّت بالاتری وارد میدان دینداری شود. باید برسیم به این نتیجه که همه‌ی امور خود را با رجوع به حضرت حق رفع کنیم، در این صورت ارزش عبادت برایمان روشن می‌شود. موفق باشید